



«فرهیختگان» در آستانه برگزاری نشست سران شانگهای در تاجیکستان به بررسی ابعاد و احتمال عضویت ایران در این سازمان پرداخته است

آغاز از شانگهای



جهان امروز دائم در حال تغییر است و رابطه دولت‌ها و منافع آنها به نوع نگاه‌وفهم آنهااز جایگاه‌شان بستگی دارد؛ از این‌رو دولتی در سیاست نگاه خود را همه کشورها و مناطق جهان قرار دهد.

خارجی موفق است که به جهان تنها از یک جهت ننگرد، بلکه در پیچه نگاه خود را همه کشورها و مناطق جهان قرار دهد.

دولت حسن روحانی رئیس‌جمهور سابق ایران به دلیل تمرکز بر برجام و تلاش شدید برای برقراری ارتباط با غرب بدون در نظر گرفتن تجارب قبلی کشور در این حوزه، سیاست خارجی ایران را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو ساخت. دولت جدید ایران اما برخلاف دولت‌پیشین می‌گوید قصد دارد با تمام دنیا تعاملات سازنده‌ای داشته باشد.

از این‌رو تهران در دولت جدید رویکردی جدی در ایجاد ارتباط با مناطق مختلف جهان خواهد داشت. مهم‌ترین فصل پیش‌رو در این حوزه امانستت کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای در اواخر هفته جاری است. این نشست در روزهای ۱۶ و ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱ برابر با ۲۵ و ۲۶ شهریورماه در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان برگزار می‌شود و قرار است طی آن فرآیند عضویت کامل ایران در این سازمان آغاز شود؛ فرآیندی که نیازمند صرف زمانی دوساله است.

در این راستا سیاست نگاه به شرق یکی از شاخه‌های اصلی مورد پیگیری دولت خواهد بود. این ایده دارای شاخص‌های زیادی است

و الزاما منحصر به چین و روسیه نیز نخواهد بود بلکه حتی کشورهایی مانند ژاپن، کره جنوبی و هند را نیز در بر می‌گیرد. تهران به دنبال آن است تا وارد رابطهای نظام‌مند و عمیق با کشورهای شرقی شود.

ایران و سازمان شانگهای

یکی از سازمان‌هایی که ایران سال‌ها به دنبال حضور در آن بوده است، سازمان همکاری‌های شانگهای است؛ اظهارات اخیر علی شمخانی دبیر شورای امنیت ملی مبنی بر برداشته شدن موانع پیوستن ایران به این پیمان نشان می‌دهد تهران در حال پیشبرد ایده نگاه به شرق است؛ حتی اگر این بار نیز همانند سال ۲۰۱۵ موانع پیشین با جدید باعث عدم عضویت ایران در شانگهای شوند.

خبرهای منتشرشده حاکی از آن است که بنابر سنت دودده اخیر تاجیکستان نیز به عنوان رئیس دوره‌ای و میزبان اجلاس از رئیس‌جمهور ایران برای شرکت در اجلاس دعوت کرده است.

عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای قرار است یکی از دستور کارهای اجلاس سران این سازمان باشد. در صورت تایید عضویت تهران در پیمان شانگهای، این موضوع یکی از گام‌های بزرگ ایران در جهت همکاری با قدرت‌های نوظهور شرقی مانند چین، روسیه و هند خواهد بود. نکته مهم دیگر آنکه ایران برای اولین بار بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به یک بلوک امنیت‌جمعی منطقه‌ای ملحق می‌شود.

چین، روسیه، هند، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، تاجیکستان و ازبکستان هشت عضو اصلی سازمان همکاری شانگهای هستند. جالب آنکه درخواست ایالات متحده آمریکا نیز در سال ۲۰۰۵ برای

عضویت در این سازمان از سوی کشورهای حاضر در این سازمان رد شد. چندین کشور از جمله بحرین، بنگلادش، تیمور شرقی، مصر، عراق، مالدیو، عربستان سعودی، سوریه، قطر و اوکراین برای عضویت ناظر در این سازمان در حال گفت‌وگو هستند. ایران نیز از سال ۲۰۰۵ به عنوان عضو ناظر در این سازمان پذیرفته شده است. اولین درخواست ایران برای عضویت رسمی در توافق شانگهای سال ۲۰۰۶ مطرح شد که به دلیل جاگرفتن ایران ذیل فصل هفت منشور سازمان ملل متحد از طرف این سازمان رد شد.

ایران البته از کشورهای مطرح شده در بالا که برای عضویت تلاش می‌کنند از وزن بیشتری برای پیوستن به شانگهای برخوردار است. با وجود این درگیری تهران در پرونده هسته‌ای و قطعه‌نامه‌های صادره علیه ایران باعث شده بود تا مدت‌ها راه عضویت تهران مسدود باشد. بعد از امضای توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ و لغو قطعه‌نامه‌های ضدایرانی شورای امنیت سازمان ملل تهران برای دومین بار درخواست خود برای عضویت دائم در سازمان شانگهای را مطرح کرد. این درخواست اما با نظر مخالف تاجیکستان رد شد، زیرا این کشور معتقد بود تهران از جنبش اسلامی تاجیکستان حمایت می‌کند؛ این جنبش در دهه ۱۹۹۰ میلادی مدت‌ها با دوشنبه درگیر جنگ بود که در نهایت با درخواست تاجیکستان برای میانجیگری ایران در این درگیری‌ها، جنگ داخلی این کشور پایان یافت.

با وجود آنکه در گذشته اعضای سازمان همکاری شانگهای معتقد بودند حضور رسمی جمهوری اسلامی ایران در این سازمان باعث درگیری آنها با آمریکا خواهد شد؛ اما در حال حاضر ورق به نفع ایران

برگشته است. فشارها و تحریم‌های بی‌امان آمریکا علیه چین، روسیه و ایران در سال‌های اخیر باعث شده است این سه کشور برای مقابله با امیال سلطه‌جویانه آمریکا در جبهه‌های مختلف همگرا شوند. اکنون به نظر می‌رسد همچنان با تغییر دولت در ایالات متحده روابط پکن و مسکو با واشنگتن بهبودچندانی پیدا کرده است. از نظر این دو قدرت جهانی، جوبایلین، رئیس‌جمهور آمریکا تفاوت زیادی با رئیس‌جمهور سابق دونالد ترامپ ندارد و احتمالا از او بدتر نیز هست.

در چنین شرایطی که کشورها و قدرت‌های جهانی به برداشت‌های جدیدی رسیده‌اند، تهران می‌تواند با استفاده از تغییرات در حال انجام در فضای بین‌المللی، ضمن تنوع بخشی به تعاملات خود و کاهش فشارهای آمریکا به عضویت ساختارهایی همانند پیمان شانگهای درآید. اعضای شانگهای هم اکنون جمعیتی بالغ بر سه میلیارد نفر یعنی ۴۲ درصد جمعیت جهان و وسعتی معادل یک چهارم خشکی‌های جهان را در اختیار دارند. ماهیت و شیوه‌های عملکرد شانگهای با سازمان‌ها و ائتلاف‌های غربی از ناتو گرفته تا اتحادیه اروپایی متفاوت است اما پتانسیل‌هایی برای انجام اقدامات مشابه را دارد؛ اقداماتی که می‌تواند به‌طور غیرمستقیم و بلندمدت در راستای مقابله با مژموئی آمریکا عمل کند. دولت سیزدهم می‌تواند با عضویت کامل در این سازمان از مزایای سیاسی، امنیتی و اقتصادی سازمان همکاری شانگهای استفاده کند. در حوزه اقتصادی ایران می‌تواند برای تنوع بخشیدن به بازارهای صادراتی از ظرفیت‌های تجاری و اقتصادی اعضای شانگهای بهره‌برد. مهم‌تر از همه، سازمان همکاری شانگهای برای اولین بار به غرب آسیا نیز نفوذ خواهد کرد. کشورهای

ظرفیت‌های کشورهای عضو شانگهای

جمعیت	چین	روسیه	هند	پاکستان	قزاقستان	قرقیزستان	تاجیکستان	ازبکستان	مجموع
	۱٬۳۹۷٬۸۹۷٬۷۲۵	۱۴۲٬۳۲۷٬۷۹۵	۱٬۳۳۹٬۳۳۵٬۵۱۴	۲۳۸٬۱۸۱٬۵۳۴	۱۹٬۲۴۵٬۷۹۳	۶٬۵۱۸٬۷۸۹	۸٬۹۹۵٬۸۷۴	۳۵٬۸۴۲٬۷۹۶	۳٬۱۸۲٬۸۲۸٬۳۱۵
تولید ناخالص داخلی	۱۵٬۶۸۰ تریلیون دلار	۱٬۴۷ تریلیون دلار	۲٬۶۲۳ تریلیون	۲۶۳ میلیارد دلار	۱۳۷٬۳ میلیارد دلار	۷ میلیارد دلار	۸ میلیارد دلار	۵۸ میلیارد دلار	۲۵٬۲۴۶ تریلیون دلار
حجم تجارت خارجی	۲٬۶ تریلیون دلار	۳۳۵٬۵ میلیارد دلار	۳۱۳٬۳۶ میلیارد دلار	۲۳ میلیارد دلار	۴۶٬۹ میلیارد دلار	۱٬۸۶۳ میلیارد دلار	۱٬۳۵۵ میلیارد دلار	۱۳٬۲۸۵ میلیارد دلار	۳۱٬۳۳۴ تریلیون دلار
بودجه نظامی	۲۵۲ میلیارد دلار	۶۱٬۷ میلیارد دلار	۷۲٬۹ میلیارد دلار	۸٬۸ میلیارد دلار	۷۳۳ میلیارد دلار	۱۳۵ میلیون دلار	۸۵ میلیون دلار	۱۰۱ میلیارد دلار	۳۹۷ میلیارد دلار
تعداد نیروی نظامی	۲ میلیون نفر	۸۵۵ هزار نفر	۱٬۴۵ میلیون نفر	۶۴۵ هزار نفر	۴۵ هزار نفر	۱۲ هزار نفر	۹ هزار نفر	۶۵ هزار نفر	۵ میلیون نفر

گزارش دو

ماه‌ها و هفته‌های اخیر روند تحولات در افغانستان با چنان سرعتی در جریان بود که کمتر تحلیلی‌گری پیش‌بینی می‌کرد دومینوی سقوط روزه ولایت‌های افغانستان در مدتی بسیار کوتاه اتفاق افتد، همه افغانستان از باغات بدخشان تا شنزارهای ولایت نیمروز همگی در کمتر از دو ماه به دست طالبان سقوط کردند تا شائبه‌های خیانت اشرف غنی، رئیس‌جمهور وقت این کشور تقویت شود.

با سقوط کابل و فرار اشرف غنی از این کشور، زمینه استقرار طالبان در پایتخت این کشور فراهم شد؛ از این مرحله به بعد موضوع جدیدی وارد قضیه افغانستان شد و آن نیز فرار مردم از کشورشان برای رسیدن به هر جایی به جز زندگی تحت‌سلطه طالبان بود. کابل اما آخرین شهری نبود که به دست طالبان سقوط کرد بلکه تصرف این شهر آغاز راه دشواری بود برای به زانو درآوردن «ولایت پنجشیر» در شمال شرقی افغانستان.

یک‌دست کردن مناطق تحت کنترل طالبان را باید از اولین اهداف حکومت جدید در این کشور دانست که البته خودداری رهبران پنجشیر از واگذاری این ولایت به طالبان زمینه لشکرکشی این گروه را به پنجشیر فراهم کرد. احمد مسعود که اکنون جای پدرش «احمد شاه مسعود» را در ولایت پنجشیر گرفته و خود را به عنوان رهبر جنبش مقاومت در افغانستان مطرح کرده است درباره اهدافش از راه‌اندازی این جنبش می‌گوید: «هرگاه حکومتی فراگیر مبتنی بر عدالت، اعطای برابری و آزادی فردی و جنبشینی برای همه مردم در افغانستان فراهم شود، من عقب‌نشینی کرده و از سیاست کنار خواهم رفت.»

در این بین رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال این بحران در افغانستان یکی از سوال‌برانگیزترین موضوعات در سطح ملی و بین‌المللی بوده است. برای بررسی

چرا تهران به‌شکلی آشکار یا نه‌اجمی وارد قضایای همسایه شرقی خود نمی‌شود؟

نگاهی به رویکرد ایران در تحولات افغانستان

مذهبی و تقابلی از جنس دین تفسیر کردند و این نگاه را به عنوان دستاویزی برای مداخله مضاعف در سوریه و بهانه‌ای برای گسیل دادن تروریست‌های بیشتر قرار دادند تا بنا به تفسیر خود در مقابل فتنه مذهبی که ایران در آن میدان داری می‌کند، ایستادگی کنند.

صرف‌نظر از اینکه این موضوع چقدر با واقعیت‌های میدانی انطباق داشت باید گفت یکی از دلایل طولانی شدن مبارزه با تروریسم در سوریه همین نوع تفسیر از حضور ایران و گروه‌های همپیمانش در این منطقه بود. البته باید توجه داشت ایران در قضیه سوریه بین دو گزینه بد و بدتر، گزینه بد را انتخاب کرد، زیرا متهم شدند به جنگ فرقه‌ای به‌مراتب تبعات کمتری نسبت به از دست رفتن سوریه داشت. در افغانستان اما همان‌طور که بیان شد نوع رویارویی در آن قومیتی است، اما دخالت ایران در قضایای این کشور می‌تواند نوع این تقابل را که سال‌های متمادی قومیتی بوده است به رویکردی مذهبی تغییر دهد. حمایت از هزاره‌ها که شیعه‌تبار هستند و یا هرگونه ورود ایران به قضایای افغانستان می‌توانست بهانه‌ای را به دست گروه‌های مسلط در این کشور برای ایجاد محدودیت‌های بیشتر برای شیعیان و ایجاد بستری خطرناک که زمینه‌ساز خطرهای جانی برای آنان باشد به‌طور وسیعی ایجاد کند. آنچه در حال حاضر در میدان سیاسی و نظامی افغانستان بر همه مسلم است، اتحاد شکننده بین نیروهای القاعده و شبکه حقانی و نیز رابطه به‌ظاهر غیروستانه بین طالبان و داعش در افغانستان است؛ چرا که به‌صورت حداقلی وجود

اعضادر سال ۲۰۰۳ میلادی توسعه ورشد تجارت بین اعضای خود را به عنوان هدف ثبت کرده و آن را جزء وظایف خود قرار داده است. در سال ۲۰۰۴ همکاری‌های حوزه انرژی در دستور کار این سازمان قرار گرفت و در سال ۲۰۰۵ دبیرخانه دائمی این همکاری‌ها در شهر پکن راه‌اندازی شد. همچنین در سال ۲۰۰۶ شورای هماهنگی این سازمان برای تجارت آزادتر ایجاد شد که مقرر آن در شهر مسکو پایتخت روسیه قرار دارد. علاوه بر این سازمان شانگهای تلاش کرده کمک‌های ضروری در هنگام بلایای طبیعی را در راستای تقویت قدرت نرم خود به کار کرده‌ایش اضافه کند.

حال اگرچه عضویت در سازمان همکاری شانگهای براساس اجماع است، اما پکن و مسکو نیروهای محرک اصلی این سازمان هستند و می‌توانند راه را برای عضویت ایران هموار کنند. رویارویی آمریکا علیه روسیه، چین و ایران، تلفات تحقیرآمیز آن در افغانستان، سوریه و یمن، کاهش نیروهای واشنگتن در عراق، افزایش رد پای چین در غرب آسیا و وضعیت کلی هژمونیک آمریکا باعث تغییر فضا در موازنه قدرت در قاره آسیا شده است. ایران برای استفاده از چنین فضایی باید سیاست خارجی چندجانبه و همه‌جانبه‌نگری را پیگیری کرده‌وسعی در گسترش همکاری با تمام ظرفیت‌های موجود باشد.

موانع و آینده سازمان همکاری شانگهای

این سازمان در سال ۱۹۹۶ با اقدامات اولیه پنج کشور (چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) با نام شانگهای شکل گرفت که در سال ۲۰۰۱ با عضویت دائم ازبکستان در این سازمان نام آن به «سازمان همکاری شانگهای» تغییر یافت. ساختار سازمان همکاری شانگهای متغیر و همواره رو به رشد بوده است، به نحوی که در ابتدا هدف حل مسائل مرزی، مشکلات امنیتی و مقابله با قدرت نظامی ناتو بود، اما با گذشتت زمان اهداف این سازمان به سمت مسائل اقتصادی نیز کشیده شده است.

این سازمان هم اکنون فاصله زیادی تا اجرای پروژه‌ای چون سیاست انغام اتحادیه اروپا دارد. زیرا کشورهای بسیار متفاوتی درون این سازمان هستند که منافع و ساختارهای اقتصادی مختلفی دارند. با این حال سازمان همکاری شانگهای ظرفیتی جدی برای همکاری در حوزه اقتصاد دارد.

موانعی که تابه حال باعث کاهش ظرفیت این سازمان شده است را باید در سه مساله جست‌وجو کرد. سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک سازمان چندوجهی با تمرکز بر همکاری‌های امنیتی فاقد یک ماهیت روشن و نیز شفاف است؛ این موضوع باعث شده کارکرد سازمان شانگهای با خلأ مواجه شود. سازمان همکاری شانگهای و هریک از کشورهای عضو آن تلاش چندانی در جهت توسعه روابط این سازمان با سایر کشورها و سازمان‌ها از خود نشان نداده‌اند. این موضوع باعث شده تاملات این سازمان با دیگر کشورها مثبت و روبه‌روشد نباشد. از طرف دیگر به دلیل هویت در حال تکامل سازمان همکاری شانگهای، برخی بازیگران بیرونی در تعامل با آن جانب احتیاط را رعایت می‌کنند.

یک حکومت سلفی در افغانستان برای گروه‌های تروریستی نظیر شبکه حقانی و داعش به‌مراتب از وجود یک حکومت مستقل با مشروعیت بین‌المللی جذاب‌تر خواهد بود. این گروه‌ها علی‌رغم تفاوت‌هایشان شباهت‌هایی نیز دارند. شائبه کمک ایران به برخی گروه‌ها در افغانستان یا حضور نظامی ایران برای کمک به برخی اقلیت‌ها و تلاش برای مقابله با ظلمی که طالبان بر مردم روا می‌دارند، بهترین فرصت برای پرکردن شکاف‌های موجود بین این گروه‌ها و طالبان است که نتیجه آن همگرایی و اتحاد بین گروه‌ها و قومیت‌های متشتت برای از بین بردن هویت فارسی‌زبانان از سویی و مهم‌تر از آن آغاز جهاد با هزاره‌ها از سوی دیگر خواهد بود و نتیجه آن صرف‌نظر از پیروزی در این میدان، چیزی جز تلاش بیشتر برای نابود کردن هویت شیعی و زبان فارسی نخواهد بود.

گذشته از این نکته گروه طالبان که در حال حاضر خود را فاتح مبارزه با اشغالگری آمریکا می‌داند، در سیاست‌های خود اجازه حضور به ایران در افغانستان برای حمایت از اقلیت‌های شیعه موسوم به هزاره‌ها یا کمک به ولایت‌هایی که در مقابل آنان مقاومت می‌کنند، نخواهد داد تا نه فضایی برای جولان ایران فراهم شود و نه بهانه‌ای برای حضور نظامی دیگر کشورهای مقابل ایران در منطقه را بدهد، زیرا در این‌صورت افغانستان صحنه تسویه حساب‌های بین‌المللی خواهد شد.

تاکید بر این نکته ضروری است که در حال حاضر طالبان برای کسب وجهه مثبت در جهان تلاش و افری را شروع کرده است و برای به دست آوردن مشروعیت بین‌المللی دست به اقدامات مثبتی خواهد زد، لذا نام بردن از ایران در این برهه زمانی در افغانستان باعث می‌شود به عنوان عنصری که بنای بر هم زدن صلح و آرامش در افغانستان را دارد، معرفی شود و این موضوع در بلندوی موجود در افغانستان برای همسایه‌ای که یکی از طولانی‌ترین مرزها را با افغانستان داراست، مناسب نخواهد بود.